



آیت‌الله بهجت هیچ‌گاه کمالات خود را ابراز نمی‌کردند

آیت‌الله بهجت از همان کودکی با عالم بزرگ شهر فومن «شیخ احمد سعیدی» که در نجف تحصیل کرده و نه تنها در علم، بلکه در عمل هم ید طولایی داشت، معاشرت داشت.

آیت‌الله بهجت از همان کودکی با عالم بزرگ شهر فومن «شیخ احمد سعیدی» که در نجف تحصیل کرده و نه تنها در علم، بلکه در عمل هم ید طولایی داشت، معاشرت داشت.

خبرگزاری مهر - گروه دین و آئین - نگار احدپور: امروز ۲۷ اردیبهشت سالروز رحلت عالم ربانی، فقیه عالیقدر و عارف روشن ضمیر حضرت آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی بهجت است. آیت‌الله محمدتقی بهجت فومنی در اواخر سال ۱۳۳۴ قمری در خانواده‌ای دیندار در شهر مذهبی فومن استان گیلان، چشم به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در مکتب خانه فومن به پایان برد، و پس از آن در همان شهر به تحصیل علوم دینی پرداخت. پس از طی دوران مقدماتی تحصیلات دینی در شهر فومن، به سال ۱۳۴۸ قمری هنگامی که تقریباً ۱۴ سال از عمر شریفش می‌گذشت به عراق مشرف شد و در کربلا اقامت گزید.

آیت‌الله بهجت در دوران سطح و خارج از محضر استادان بزرگی چون آیات: آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیا عراقی، و میرزای نائینی و حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی بهره‌ها برد. ایشان در ضمن تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس همت گمارده، و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی بر آمده و به وجود آیت‌الله سید علی قاضی که در نجف بوده پی می‌برد و از شاگردان ایشان می‌شود.

آیت‌الله بهجت بعد از تکمیل دروس به ایران مراجعت کرده و تصمیم گرفت که در شهر مقدس قم اقامت کند. در حوزه علمیه قم به تدریس دروس حوزوی و درس اخلاق می‌پرداخت و در دورانی از حیات پربارش با انتشار رساله توضیح المسائل در زمره مراجع تقلید شیعیان جهان قرار گرفت. روزهای پایانی اردیبهشت ۱۳۸۸، روزهای پایانی انتظار برای رسیدن به بهشت دیدار بود. غروب یکشنبه، بیست و هفتم سال ۱۳۸۸، وقتی خبر رحلت آن عالم ربانی در شهر پیچید، بهت و حیرت و آنگاه ناله و شیون شهر را فرا گرفت.

به مناسبت سالروز رحلت جانشوز این عارف روشن ضمیر با فرزند ایشان حجت‌الاسلام علی بهجت به گفتگو نشستیم ایم که در ادامه حاصل آن را می‌خوانید:

حجت‌الاسلام علی بهجت در گفت‌وگو با خبرنگار مهر عنوان کرد: ابتدائاً لازم است بدانیم تمام موجودات آنچه دارند، از عنایت حضرت حق تعالی به آنهاست، همه عالم تجلی و ظهور و بروز خداوند و صفات و کمال و جمال اوست و همه موجودات در مسیری که برایشان معین شده قرار گرفتند و در همان قرارشان مستقرند و تخلفی ندارند، «کل شیء یسبح بحمده» هر موجودی به نحوی، انسان در میان موجودات، ممتاز به عقل و اراده و اختیار آفریده شده و هر یک در عمل در بهره‌گیری از امکانات و یا بهره‌گیری کامل از امکانات متفاوتند. هرکسی از امکانات به نحوی استفاده کرده، لذا مسیر انسان‌ها متفاوت است. در این بین برخی راه حیوانیت را برگزیدند و عده‌ای هم از ویژگی‌های انسانیت بهره‌برند، بنابراین مسیر انسان‌ها به انتخاب شأن برمی‌گردد. تمایز آقای بهجت در نوع بهره‌برداری از امکانات، به دوران کودکی ایشان مربوط است، ایشان از همان کودکی و از زمانی که هنوز بالغ نشده، سال‌ها قبل از بلوغ، موفق به بیداری و بهره‌برداری از امکاناتی که داشته می‌شود.

فرزند آیت‌الله بهجت خاطرنشان کرد: ایشان از همان کودکی و از سن ۷-۸ سالگی توفیق این را داشت که با عالم بزرگ شهر فومن «شیخ احمد سعیدی» که در نجف تحصیل کرده و نه تنها در علم، بلکه در عمل هم ید طولایی دارد و هم‌مطراز و هم سنگ علمای بزرگ آن زمان نجف بود، معاشرت کند، به طوری که این عالم بزرگ را از درب منزلش تا مسجد همراهی می‌کرده، در هنگام خواندن نماز، تعقیبات نماز، انجام واجبات و مستحبات و سایر امور نیز همراه وی بوده و حتی هنگام بازگشت هم تا درب منزل ایشان را همراهی می‌کردند و در این رفت و برگشت و همراهی ادب، اخلاق، رفتار، معاشرت، بیداری، سلوک و نحوه عبادت را به خوبی می‌آموزد. این کودک ۷-۸ ساله در اثر معاشرت خیلی چیزها می‌آموزد.

وی افزود: مهمترین اثر این رفت و آمدها بر این کودک حدود ۱۰ ساله، را شاید بتوان آشنایی وی با محافظت و مراقبت از عصمت و پاکی و بی‌گناهی دوران کودکی اش دانست. آیت‌الله بهجت در آن ایام، بر مراقبت از روح پاک کودکانه به وسیله عبادات، مستحبات و رشد معنوی اهتمام می‌کند، با توجه به اینکه نحوه عبادت کردن، نماز خواندن، نحوه تکلم با خدا و نحوه حضور و ادب مع الله را در همان کودکی آموخته بود و البته اظهار نمی‌کند. یک بار شنیدم که ایشان نقل می‌کردند: «زمانیکه نماز می‌خواندم

یک چیزهایی را می دیدم، سال ها قبل از بلوغ و در این اندیشه بودم که همگان آنچه من می بینم را می بینند»، یعنی ایشان از همان ابتدا با عصمت کودکانه و کمالات اخلاقی که برایش مستحب بوده، این مراقبت از روح را آغاز کردند.

حجت الاسلام بهجت با بیان اینکه از بزرگان و عرفا نقل شده که انسان ها از عمل به مستحبات، مقاماتی به دست می آورند، عنوان کرد: عمل به واجبات حداقل کاری است که می توان برای تعالی انجام داد، به همین خاطر عرفا، قرب مستحبات را بالاتر از قرب فرایض می دانند. آیت الله بهجت قرب مستحبات را حتی قبل از تحصیل علم آغاز می کند و در قرب نوافل هم با استاد خود «شیخ احمد سعیدی» همراه می شود، می دانیم انسان به وسیله اعمال خود می تواند به رشد معنوی دست پیدا کند.

عصمت کودکانه و مشاهده هر آنچه دیگران از دیدنش محرومند

وی گفت: همانطور که پیش تر ذکر کر دم، ایشان در کودکی و در نماز کودکانه خود، چیزهایی می دیدند که تصور می کردند به چشم همگان هم دیده می شود، سال ها گذشت تا ایشان متوجه شدند که خیر، آنچه ایشان در نماز می بینند فقط به چشم خود ایشان مشاهده می شود و همین یعنی بهره کافی از امکاناتی که خدا در وجود وی قرار داده است. با توجه به اینکه عصمت، موتور محرکه ای قوی است برای وصول به مقامات و در حالی که بسیاری از بزرگان بعد از سال ها ریاضت، ممکن است چنین احوالاتی پیدا کنند، اما سنین کودکی و معصومیت و پاکی وجودی به ایشان کمک می کند که آنچه بزرگان به یک عمر زحمت به دست می آورند، با کمی ممارست برایشان حاصل شود. عجیب هم نیست، مگر در مورد حضرت مریم (س) قرآن نمی فرماید: «كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» هرگاه زکریا در محراب عبادت بر مریم وارد می شد، خوراکی (شگفت آوری) نزد او می یافت. این آیه به عصمت کودکانه حضرت مریم (س) و عبادت های خالصانه وی در دوران کودکی اشاره می کند.

ایشان در کودکی و در نماز کودکانه خود، چیزهایی می دیدند که تصور می کردند به چشم همگان هم دیده می شود، سال ها گذشت تا ایشان متوجه شدند که خیر، آنچه ایشان در نماز می بینند فقط به چشم خود ایشان مشاهده می شود

این استاد حوزه علمیه افزود: لذا این احوالات ممتاز آیت الله بهجت را در همان کودکی به کسب علم و آگاهی های علمی مجبور و وارد عرصه علم و تحصیل می کند، ایشان همزمان با تحصیل علم و یادگیری ادبیات و ریاضیات و... در مکتب، همزمان با دوره رضاخان و آغاز ترویج فرهنگ غرب در کشور، در حوزه مشغول تحصیل شد. ایشان با دقت از اوقات خود بهره می برد، با اینکه در سنین کودکی بود، اما به جای اتلاف وقت، اوقات خود را صرف مطالعه و تحصیل علم طلبگی و غیرطلبگی می کرد، ایشان در جایی می فرماید: «وقتی که خسته می شدم حتی در کربلا، شروع می کردم به مشق کردن»، ایشان از نهایت اوقاتشان استفاده می کردند و وقت را صرف لهو و لعب نمی کردند. ایشان هیچگاه کمالات خود را ابراز نمی کردند، به عنوان مثال شنیدم در جایی به یک سری از کودکان فرمودند: «من همسن و سال شما بودم، نماز که می خواندم در رکعت اول بعد از سوره حمد، سوره بقره را از حفظ می خواندم»، بنابراین ایشان حافظ قرآن هم بودند اما هیچگاه این توانایی را ابراز نکردند. ایشان با جدیت تحصیل علم می کردند و آنقدر جدی بودند و دقت و قاطعیت داشتند، حتی در همان دروس ابتدایی حوزه های علمیه.

سفر به عراق و آغاز تحصیل در حوزه علمیه نجف

فرزند حضرت آیت الله بهجت که سال ها توفیق شاگردی در محضر پدر بزرگوار خویش را داشته، در ادامه تصریح کرد: همانطور که گفته شد، ایشان در کودکی با عالم بزرگ شهر که در نجف تحصیل کرده و شاگرد مرحوم «سید کاظم یزدی»، همراه بودند و در علم و عمل به کمالات رسیده بودند، ایشان و همچنین بزرگان شهر در مجالس و پای منبر یکی دو بار به پدر آیت الله بهجت، توصیه اکید کردند که اگر می خواهید استعدادهای او شکوفا شود، ایشان را برای تحصیل علم به عراق بفرستید. لذا ایشان را در ۱۳ سالگی با اقوام و بستگان، به عراق می فرستند و ایشان در کربلا اقامت می کنند. در آن زمان کربلا بر نجف این امتیاز را داشت که اساتید ادبیات و سطوح عالی کربلا ممتاز بودند بر اساتید نجف و سطح علمی شأن بسیار قوی تر بود. برخی از اساتید کربلا، ۱۵ دوره درس داده بودند. یکی از طلبه های مدرسه دارالشفای قم؛ این نکته را در مسیر کربلا، به ایشان گوشزد می کند که اگر بتوانی برای تحصیل به کربلا بروی موفق تر خواهی بود، بنابراین ایشان برای سفر به کربلا، مصمم تر می شود. حوزه علمیه قم در آن زمان، به خاطر اینکه به تازگی فعالیتش را شرع کرده بود، نسبت به کربلا ضعیف تر بود، ضمن اینکه روش تدریس ادبیات در کربلا متفاوت بوده و پایه علمی ایشان به خاطر حضور اساتید و دانشمندان بزرگ آنجا، قوی تر پی ریزی می شد. در کربلا همچنین اساتید اوقات فراغت بیشتری داشتند، چراکه تعداد داوطلبین طلبگی به دلیل فشارهای رضا خان بر روی طلاب و فعالیت های دینی، کاهش یافته بود و آنها وقت کافی و وافیه برای تربیت همان تعداد معدود طلاب داشتند. آیت الله بهجت در نزد بزرگان کربلا، هم دروس عمومی و هم دروس اختصاصی را می خواندند و در عرض ۳-۴ سال تمام اینها را خوب خواندند.

سیره علمی آیت الله بهجت در دوران طلبگی

وی افزود: پدر در تحصیل علوم حوزه، بسیار سریع عمل کردند، ایشان نزد علمای بزرگ کربلا، به سرعت درس، منطق را خواندند و در جایی اشاره کردند که «معالم» که اولین کتاب علم اصول بوده را در کربلا ۴ ماهه خواندند. لذا پی ریزی علمی ایشان در آنجا خوب بود و از استعدادشان کاملاً بهره گرفته و مورد توجه بزرگان کربلا و نجف قرار گرفتند. در جایی نقل شده که ایشان در سن ۱۵ سالگی با اولین عالم شهر در مدرسه بحث ادبی می کند و همه سوالات او را جواب می دهد، به طوری که طلاب اطراف آنها جمع شدند و فکر کردند که شاید ایشان به محضر آن استاد اساتذ ادب کرده، بعد که عموی ایشان برای عذرخواهی به نزد آن عالم مراجعه می کنند، آن استاد بزرگ می گوید که عذرخواهی برای چه؟ ما خیلی لذت بردیم از صداقت حرف و دقت حرف او و وقتی به منزل رسیدیم به فرزندمان گفتیم، بروید از این پسر، ادب و درس خواندن را یاد بگیرید و با او رفاقت کنید.

دقت در انتخاب اساتید

علی بهجت خاطرنشان کرد: پدر در انتخاب اساتید بسیار دقیق عمل می کرد و دقیق ترین و مشکل فهم ترین اساتید را انتخاب می کرد، ایشان توجهی به معروفیت و بیان ممتاز اساتید نداشت و این روش را تا آخر عمر در پیش گرفت. ایشان از تحصیل در کربلا که فارغ شد در سن ۱۸ سالگی، زندگی و تحصیل را در نجف ادامه داد، خود ایشان در جایی می فرمایند: در کربلا که بودیم، گاهی اوقات بحث می کردیم، در مورد اینکه اگر کسی بخواهد علم اصول را بخواند، نباید برود درس «مرحوم کمپانی» برای اینکه دوره اصول او ۱۴ سال طول می کشید و آدمی مگر چقدر عمر دارد که بخواهد ۱۴ سال از عمرش را برای خواندن یک درس وقت بگذراند در حالی که می تواند در درس «مرحوم آقای ضیا» به مدت ۷ سال و یا مرحوم «آقای نایینی» به مدت ۴ سال درس را فراگیرد. به هر حال بحث طلبه های دوره ابتدایی در کربلا این مورد بوده، اما ایشان در نجف، دقیقاً برعکس دیگر طلبه ها، اساس انتخاب استاد را می گذارد بر سخت گیرترین، و دقیق ترین استاد «مرحوم کمپانی»، اما روشی را انتخاب می کرد جهت دسترسی سریع تر به مطالب از طریق «دوره تقریر». ایشان استادی را انتخاب می کرد که دیگران رغبت کمتری به او داشتند، چرا که در این صورت ایشان از وقت و دقت بیشتری برای استفاده از دانش آن استاد بهره مند می شد.

وی افزود: ایشان تعمق قوی در هر مسئله را از همان اساتید سخت گیر خود فرا گرفته و همین امر باعث شد مورد توجه اساتید قرار بگیرد، ایشان در عین حال که در حین درس، نظراتی داشت، اما در درس اشکال ایجاد نمی کرد، و در پایان درس، با خود اساتید این نکات را مطرح می کرد، و این امر که او با وجود نظرات کارشناسی، اما برای دوری از خودنمایی، آنها را پنهان می کرد و در زمان مناسب مطرح می کرد، مورد توجه قرار گرفت. البته ایشان در کربلا هم که بود، از لحاظ دقت علمی و فهم در مسائل، مورد توجه قرار گرفت. این توجه در نجف هم ادامه پیدا کرد و باعث شد یکی از اساتید به ایشان حکم شرعی کند که در صورتی که در درس اشکالی به ذهنت رسید، حکم می کنم که همانجا اظهار کنی، نه بعد از درس. این تصمیم کار را برای ایشان سخت کرد چراکه ایشان نمی خواست اظهار وجود کند، اما همین هم موجب اظهار کمال او شد و نه اظهار منیت، به طوری که نقل شده ایشان «مرحوم کمپانی» را در درس می پیچاند، و این بسیار تعجب برانگیز بود، چون ایشان کم سن و سال بودند و برای اطرافیان جای تعجب داشت.

توسل و توجه به عبادت همراه با تحصیل علم

شیخ علی بهجت با ذکر نقل قولی از حضرت آیت الله بهجت عنوان کرد ایشان در جایی اظهار کردند، «روزی آقای را در حرم حضرت سیدالشهدا (ع) دیدم، که خدا می داند چه مقاماتی را طی می کرد، اما پرواز روح و الهی شدن او را دیدم»، به عبارت دیگر ایشان با یادآوری این خاطره به لزوم همراهی معنویت، رشد و الهی شدن تاکید کردند، به گفته ایشان علم و تحصیل نباید مانع از انجام مستحبات، توسلات و اهتمام به عبادت و بندگی شود. ما نباید تنها به انجام واجبات بسنده کنیم. ایشان معتقد بود که انسان اگر در معنویات ید طولایی به دست بیاورد در کسب کمالات علمی هم توفیق می یابد و آن زمان است که با اتصال به نور حقیقی عالم، با نور خدا دیدن، شنیدن و الهی شدن، تهذیب نفس امکان پذیر می شود.

مشی و رفتار ایشان در دوره استادی

وی با اشاره به رفتار آیت الله بهجت در دوره استادی گفت: یکی از علمای بزرگ بیان می کرد «ما تا اذان صبح بیدار بودیم برای مطالعه درس و مباحثه، اما آقای بهجت قبل از ساعت ۱۲ می خوابیدند و یک ساعت قبل از اذان صبح بیدار می شدند و من چون با ایشان هم استانی بودم، روی رفتارهای ایشان دقت می کردم، در این زمان به خودم می بالیدم که من از ایشان پیشرفته تر هستم و تا صبح درس می خوانم، اما ایشان می خوانند، اما بعد از مدت کوتاهی، آیت الله بهجت به یکی از بزرگترین اساتید ممتاز سطوح عالی نجف تبدیل شد.

این استاد حوزه افزود: پسر مرحوم «حاج شیخ عباس قمی» در جایی اشاره کرد که من «کفایه» را در نجف نزد آیت الله بهجت خواندم، روزی از روزها بالای منبر بودم، چون ایشان خیلی مخفیانه وارد مجلس شد و در گوشه ای نشست و توجهی به کسی

نکرد، ناراحت شدم و با خودم گفتم من در نجف پیش ایشان کفایه را خوندم، آیا صحیح است ایشان وارد مجلس بشود انگار که کسی وارد نشده، اینجا مسجد است و محل تکریم علم و عالم.

وی با بیان اینکه ایشان در ادامه همان روش اساتید خود را در پیش گرفت؛ عنوان کرد: ایشان احتیاجی نداشت تعداد زیادی شاگرد داشته باشد، تا درس را شروع کند، اگر ۵ نفر هم بودند درس می داد. مثل فلان شخص نبود که می گفت من مجلسی که کمتر از ۵۰۰ نفر باشد اصلاً منبر نمی روم، پدر اهل این اتفاقات نبود، برای پدر یکی دو نفر هم کافی بود تا کلاس را برگزار کند. همچنین اگر از ایشان تقاضایی می شد و زمان لازم را داشتند، موافقت می کردند. در حالی که در آن ایام تعداد مشتاقان طلبگی و دروس حوزوی کم بود، به دلیل مقابله های رضاخان و قطع ارسال حواله جات به نجف و موانعی که برای حضور طلبه ها در نجف وجود داشت، در طول ۱۰ سال حضور ایشان در عراق، حتی کمتر از ۱۰ نفر برای تحصیل به عراق سفر کردند و آنقدر این موضوع غیرمعمول بود که اگر طلبه جدیدی در کاظمین و سامرا حضور داشت، در کربلا و نجف همه با خبر می شدند. بنابراین اساتید برای دو نفر هم درس می دادند.

سبک آیت الله بهجت برای تدریس

بهجت تصریح کرد: این معمول هست که هر استادی یک روش و سبک و سیاقی برای تدریس دارد، معمولی ترین روشی که مورد تأیید بسیاری از فرهیختگان وhellip; هست، این است که استاد در ابتدا همه مطالب را از حفظ بیان می کنند، سپس با عبارات ساده کتاب ها، برخی از عبارات و مطالب را تشریح می کنند، اما من هرگز ندیدم درس سطح ایشان فقط درس سطح باشد، چراکه آنجا هم در حال تفکر بود و تأمل بودند و انسان را وادار می کرد به تفکر و تعمق. در درس آیت الله بهجت، شاگرد قبل از حضور در کلاس باید درس را بخواند و آگاه باشد و در زمان درس، اگر برایش شبهه ای، سوالی وجود دارد مطلب را بیان کنند.

وی افزود: ما اگر از پیش مطالعه نکرده بودیم، اصلاً متوجه درس پدر نمی شدیم، بسیاری از شاگردان ایشان در درس همینطور بودند، حتی درس سطح ایشان نیز این طور بوده، درس خارج هم همینطور، اینکه بیایند توضیح واضح بدهند و مباحث را تشریح کنند، چنین چیزی نبود. روش ایشان فقط تفکر و دقت در کار بود، اینکه بخواهد توضیح بدهد، توضیحی در کار نبود، در درس خارج ایشان هم همینطور بود، مگر اینکه شاگردان از عبارات چند صورت متصور می شدند که در این صورت ایشان معنای دقیق را بیان می کردند، فلذا در درس خارج ایشان معمولاً این طور بودند که یکی از کتب اساتید بزرگ و یا رساله علمی یک استاد، را مبنا قرار می دادند و نکاتی را بیان می کردند.

نتیجه و دستاورد سیره متفاوت آیت الله بهجت

فرزند آیت الله محمدتقی بهجت در بخش پایانی این گفت و گو عنوان کرد: ایشان نتیجه عمر و تحصیل و کار و تلاشش را این می دانست که تنها تحصیل برای طلبه و حتی غیر طلبه کافی نیست، ایشان معتقد بودند که دین بالاتر از این وضعیت را نیاز دارد، حتی از بزرگان دین نقل شده که اگر علم همراه تهذب نباشد و با تهذیب نفس همراه نباشد، مثمر ثمر نخواهد بود، اگر محصل همراه با علم، فضائل اخلاقی را همراه نکند نمی تواند در جامعه مؤثر باشد، مؤثر به نفع اسلام نه اینکه فقط همین کتاب را تدریس کند. درس تنها کاری از پیش نمی برد، مگر اینکه با تهذیب نفس همراه شود. ایشان یک زمانی فرمودند، «غلط است تلاش برای اصلاح دیگران قبل از اصلاح خود»